



اشاره

نویسنده این مطلب، خود مؤلف درس هفتم کتاب «تاریخ‌شناسی» دوره پیش‌دانشگاهی است. ایشان نوشته‌ای کاربردی و مفید برای تدریس بهتر درس مذکور به دفتر مجله ارسال داشته بود که به دلیل تفصیل زیاد، چاپ همه آن به صورت یکجا میسر نبود. از این رو بخشی از آن به چاپ می‌رسد. امید است در شماره‌های آتی بخش‌های دیگری از آن هم پیش روی شما قرار گیرد.

محسن رستمی گورانی

دبیر تاریخ. کرمانشاه

هنر و تاریخ

دانستنی‌هایی درباره‌ی درس هفتم کتاب «تاریخ‌شناسی»

استفاده از نقاشی در آموزش تاریخ

با استفاده از آثار نقاشی بازمانده از هر عصر می‌توان به روشن نمودن گوشه‌هایی از تاریخ آن عصر کمک کرد. در این مورد، بهترین روش استفاده از تصاویری است که در کتاب‌های مختلف و از جمله در خود کتاب **تاریخ‌شناسی** یافت می‌شود. از بهترین نمونه‌های این گونه نقاشی‌ها، باید به نقاشی از صحنه‌های زندگی روزمره اشاره کرد؛ یعنی نقاشی‌هایی که در آن‌ها صحنه‌هایی از زندگی مردم عادی به تصویر کشیده شده است. از توجه به جزئیات موجود در این نقاشی‌ها مانند شکل لباس‌ها، نماهای بناها، نحوه معماری، چگونگی آرایش زنان و مردان، وسایل زندگی، نوع و نحوه صرف کردن غذا، وسایل حمل و نقل و شکل شهرها، خیابان‌ها و معابر عمومی ویژگی‌های یک عصر یا دوره تاریخی را نشان داد. همین ویژگی‌هاست که در تبیین تاریخ اجتماعی دوره‌های مختلف کارکرد دارد. به جز این، از تابلوهایی که حاوی مضامین اساطیری‌اند، مانند نقوش موجود بر روی سفالینه‌های یونان باستان، و یا آنها که دارای مضامینی مذهبی هستند، اعم از آثار مسیحی یا اسلامی و ... می‌توان به بیان عقاید و آیین‌های مذهبی عصرها و زمان‌های مختلف پرداخت. به همین شیوه می‌توان به توضیح تابلوهایی پرداخت که دارای صحنه‌هایی از جنگ‌ها، انقلاب‌ها و شورش‌ها هستند و یا صحنه‌هایی با موضوعات مشخص سیاسی (مانند مذاکرات سیاسی، کنفرانس‌ها، سمینارها، ...) را نمایان کرده‌اند.

به طور مثال، در تابلوهایی که نمایانگر صحنه‌های جنگ در زمان‌های مختلف‌اند، نوع و شکل سلاح‌ها چگونگی آرایش جنگی نظامیان در حالات و شرایط مختلف، نوع لباس‌ها، نوع وسایل حمل و نقل نظامی، می‌تواند گویای وضعیت خاص آن دوره باشد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌شناسی، هنر، تاریخ و هنر.

مجسمه‌سازی

بنا به تعریفی که محققان هنر ارائه کرده‌اند، مجسمه‌سازی اساساً به معنای شکل بخشیدن به توده‌ای از مواد بی‌شکل است.

در گذشته، پیکر تراشی عمدتاً به آفرینش شکل‌های انسانی و طبیعی محدود می‌شد، اما این هنر امروزه هم پای تحولات پدید آمده در تمام ارکان زندگی اجتماعی انسان، همچون سایر هنرها، به شدت متحول شده و به خلق شکل‌های نو، با مواد جدید و اسلوب‌های نو روی آورده‌است.

در اینجا از دو نوع پیکر تراشی نام می‌بریم:

۱. **نقش برجسته:** هنگامی که نقشی از یک موجود، اعم از انسان، حیوان و غیره را روی یک سنگ یا لوح به صورت برجسته نشان دهند به آن «نقش برجسته» می‌گویند. می‌توان گفت تمام آثار تصویری موجود در تخت جمشید و دیگر بناهای بازمانده از ایران باستان نقش برجسته‌اند.

نقش برجسته خود به دو نوع «تمام برجسته» یا «نیم برجسته» تقسیم می‌شود.

۲. **پیکره ایستاده یا همه‌جانبی:** این نوع از مجسمه‌ها، پیکره‌هایی هستند که اثر مورد نظر، مثلاً یک انسان را، به تمامی و در تمامی ابعاد و جهات نشان می‌دهند.

مجسمه‌ها را همچنین براساس اسلوب ساخت آنها به دو نوع، کاشی (کنده‌کاری) و افزایشی (پیکر تراشی یا پیکره‌سازی) تقسیم می‌کنند.

مجسمه‌سازی یکی از قدیمی‌ترین هنرهای ابداع شده به دست بشر است که کهن‌ترین نمونه‌های آن در غارهای محل زندگی انسان‌های ما قبل تاریخ مشاهده شده است. این قدیمی‌ترین مجسمه‌ها و بهتر است بگوییم نگاره‌ها، که اغلب بر روی دیواره‌های غارها، یا روی یک صخره در کوه کنده شده عموماً شامل نگاره‌هایی

از انسان و حیوان و شکار است.

مجسمه‌سازی در آغاز، با تلقی خاصی همراه بوده است. در اعتقاد شکارچیان ما قبل تاریخ، نگارگری صحنه‌های شکار حیوانات بر روی دیواره‌های غارها، موجب موفقیت آنها در صحنه‌های واقعی شکار و نیز سبب زیاد شدن جانوران مناسب برای صید می‌شد. نوعی از مجسمه‌های یافت شده از اعصار کهن (هزاره‌های هفتم و ششم ق.م) مجموعه‌های واقعی انسان است که صورتشان با استفاده از نوعی گچ کم‌رنگ بازسازی شده و در محل

چشم‌شان تکه‌های صدف نصب شده است. این مجسمه‌ها مرحله‌ای تکامل یافته‌تر از تفکرات انسانی را نشان می‌دهند که به موجب نظریه محققان تاریخ هنر مؤید اعتقاد بشر به وجود زندگی پس از مرگ و تمایل انسان به حیات پس از مرگ است.

همچنان‌که درباره تاریخ تطور سبک‌های نقاشی گفته شد، مجسمه‌سازی نیز تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در ادوار مختلف تاریخ رخ داده، سبک‌های مختلفی را



تجربه کرده است. این سبک‌ها چه به لحاظ محتوا و چه به لحاظ نام‌گذاری شباهتی کامل با سبک‌های مختلف نقاشی دارند. اصولاً شباهت و همانندی‌های فراوان بین دو هنر نقاشی و پیکرتراشی به گونه‌ای است که هر دو را در قالب یک مفهوم، یعنی هنرهای تجسمی تعریف می‌کنند. در بعضی از دوران‌ها بسیاری از نقاشان بزرگ مجسمه‌سازان بزرگی نیز بوده‌اند.

پیشینه پیکرتراشی در ایران

شاید بتوان قدیمی‌ترین مجسمه یافته شده در ایران را پیکره آدمکی گلی دانست که در تپه سراب حصار سفید کرمانشاه و از داخل یک قبر متعلق به حدود هفت هزار سال پیش پیدا شده است. باستان‌شناسان ساخت این گونه آدمک‌های گلی را که تحت عنوان کلی «بُت» نام‌گذاری کرده‌اند ناشی از عقاید اقوام باستانی پیرامون ادامه حیات انسان

در دنیای دیگر می‌دانند.

نقوش مربوط به اقوام لولوبی موجود در سرپل‌زهاب کرمانشاه بخصوص نقش آنوبانی‌نی با قدمتی در حدود چهار هزار و دو بیست سال و نیز سنگ‌نگاره‌های عیلامی موجود در خوزستان و نواحی اطراف از جمله مهم‌ترین آثار پیکره‌سازی متعلق به ایران قبل از ورود آریایی‌ها مجسمه مرمرین گاوی که از زیگورات چغازنبیل شوش به‌دست آمده نیز از جمله عالی‌ترین آثار تجسمی است که از عیلام باستان بر جای مانده است.

همچنین باید به مجسمه‌هایی مفرغی به‌دست آمده از لرستان و سایر نقاط ایران اشاره کرد که نمونه‌هایی جالب توجه از هنرهای تجسمی ایران در دوران‌های پیش از ورود اقوام آریایی محسوب می‌شوند. اما از جمله قدیمی‌ترین سنگ‌نگاره‌هایی که از ایرانیان آریایی موجود است، سنگ‌نگاره‌هایی است که در کنار آرامگاه‌های صخره‌ای بازمانده از دوران

ماد در غرب ایران کنونی یافت می‌شود. از جمله می‌توان به حجاری‌های گور دخمه‌های اسحاق‌وند، دکان داود، صحنه (همه در کرمانشاه) و قزقیان (دختر دزد) در خاک کردستان فعلی عراق اشاره کرد. پیکره‌های حجاری شده در پاسارگاد، تخت‌جمشید، نقش‌رستم (همه در فارس) شوش (خوزستان) و بیستون (کرمانشاه) همه و همه نمایانگر اعتلای هنر پیکره‌سازی در ایران دوره هخامنشی است؛ و این‌ها همه به غیر از اشیای فلزی از جمله جام‌ها یا ریتون‌هایی است که از آن عهد باقی مانده و هر کدام نمونه‌ای عالی از هنر حکاکی دوران هخامنشی را در معرض دید همگان قرار می‌دهد.

از دوران سلوکی غیر از نقوش موجود بر روی سکه‌های این دوران و برخی آثار تجسمی باید به مجسمه هرکول در بیستون کرمانشاه اشاره کرد که شاهدی برجسته از فنون مجسمه‌سازی سبک یونان باستان است.

در دوران اشکانی و هم زمان با تسلط سلسله‌ای بر ایران، که در اصل پیشینه شبانکاره‌ای داشتند. هنر مجسمه‌سازی ایران نزول فاحشی پیدا کرد. کافی است که نقوش هخامنشی بیستون را با نمونه‌های نقوش اشکانی در همان محل مقایسه کنیم تا صحت این نظر تأیید شود. اما در دوران ساسانی هنر پیکره‌سازی ایران باز به دورانی از اعتلا بازگشت نشانه این تحول غیر از حکاکی‌های موجود بر روی ظروف و اشیای فلزی، سنگ‌نگاره‌هایی است که از این عهد در نقش‌رستم، نقش رجب، فیروزآباد و سایر نقاط فارس، و بخصوص در طاق بستان کرمانشاه، باقی مانده‌است. خبرگان هنر مجسمه‌سازی، نقش شب‌دیز در طاق بستان کرمانشاه را با آثار میکال‌آثر قابل مقایسه می‌دانند.

در پی ورود اسلام به ایران و ممنوعیت مجسمه‌سازی و تصویرگری



سکه‌های اشکانی



هنرمندان ایرانی، در قالب‌های دیگری که نمی‌توانست مورد تعرض قرار بگیرد، روی آوردند. از جمله تزیینات ساختمان‌ها، بخصوص اماکن مقدس بود که در شکل گچ‌بری و بیشتر به صورت نقوش گل و بوته و یا آیات قرآنی و در قالب خط زیبای کوفی خود را نشان می‌داد. همین‌طور باید به تزیینات آجرکاری بخصوص در نمای ظاهری مناره‌ها که در قالب نقوش هندسی و یا تحریر آیات قرآنی و کلمات مقدسه (خط معقلی یا بنایی) جلوه می‌کرد، اشاره نمود.

البته نقوش روی سکه‌ها و نیز حکاکی بر روی اشیای فلزی را باید نمونه‌های دیگری از هنر پیکره‌سازی در ایران پس از اسلام محسوب داشت.

از دوران قاجار رفته‌رفته فنون و سبک‌های جدید این هنر، همراه با بسیاری از افکار و اندیشه‌های نوین پیرامون هنرهای مختلف از اروپا به ایران منتقل شد و دوران تازه‌ای را در هنر مجسمه‌سازی ایران پدید آورد. امری که هنوز هم تداوم دارد.

کارکرد تاریخی مجسمه‌ها و هنر مجسمه‌سازی

انواع پیکرتراشی و پیکره‌های ساخته شده، همچون دیگر آثار هنری، منبعی از اطلاعات پیرامون گذشته انسان‌ها به شمار می‌آید. دبیران تاریخ می‌توانند با استفاده از مجسمه‌ها و سنگ‌نگاره‌های مختلف به استخراج مطالبی پیرامون تاریخ اجتماعی، آداب و رسوم، عقاید مذهبی، مسایل سیاسی، اقتصادی، حقوقی و هنری ادوار گذشته بپردازند و البته اگر بتوان این کار را ضمن حضور در کنار این‌گونه آثار، مثلاً در موزه‌ها و اماکن تاریخی انجام داد، مسلماً مؤثرتر، مفیدتر و کارآتر خواهد بود.

از جمله در تخت‌جمشید می‌توان به

موجود بر روی پلکان‌ها به آن خط‌ها و زبان‌ها نوشته شده‌اند، به لحاظ فرهنگی - اجتماعی بیانگر بسیاری از مطالب هستند. نقوش گل‌ها و درختان که بر روی خطوط کادر بندی‌های تصویر شده‌اند، نشان دهند، بخشی از عقاید اساطیری و دینی آن دوران است، و بالاخره سلاح‌ها و ابزارهای جنگی که سربازان حمل می‌کنند ما را از تاریخ نظامی دوره هخامنشی مطلع می‌سازد.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. گاردنر هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران نگاه و آگاه، ۱۳۷۰
۲. مرزبان، پرویز، خلاصه تاریخ هنر، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸
۳. وزیر، علیتی، تاریخ عمومی هنر، تهران، هیرمند، ۱۳۶۹
۴. گشایش، فرهاد، تاریخ هنر، بی‌جا، عفاف، ۱۳۸۴
۵. آریان‌پور، امیرعباس، جامعه‌شناسی هنر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا

کمک این حجاری‌ها اقوام تابع حکومت هخامنشی را شناخت و در نتیجه ابعاد جغرافیای سیاسی این امپراتوری را روشن کرد. (تاریخ سیاسی)

مثلاً لباس‌ها، آرایش‌ها و دیگر جلوه‌های ظاهری هر یک از نمایندگان این اقوام، بخشی از آداب و رسوم و بنابراین قسمتی از تاریخ اجتماعی آن دوران را بازتاب می‌دهد؛ یا مهم‌ترین محصولات هر یک از اقوام که به صورت تحفه برای شاه آورده‌اند، از اقتصاد آن دوران سخن می‌گوید. حضور مادها و پارس‌ها در کنار نمایندگان ملل تابع، به عنوان راهنما، از نظام اداری - سیاسی آن عهد خبر می‌دهد. چگونگی برگزاری مراسم نوروز، حداقل بخشی از آن، عقاید دینی و اجتماعی مردم آن عصر را نمایان می‌سازد. خصوصیات فنی سنگ‌نگاره‌ها از تاریخ هنر در دوران هخامنشی صحبت می‌کند. خطوط و زبان‌هایی که کتیبه‌های